

«بازداشت و حراست» یک روحانی



روزنامه نگار
حسین بنیان

سال های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ سال هایی هستند که روزبه روزشان با حادثه و تحول همراه است. شاه پس از تصویب لوایح شش گانه و هیاهوی انقلاب سفید با مخالفت روحانیون مواجه می شود. بعدازظهر دوم فروردین سال ۱۳۴۲ که با ۲۵ شوال و سالروز شهادت امام صادق^(ع) مصادف است، همچون سال های گذشته یک مجلس عزاداری در مدرسه فیضیه قم برپا می شود. اما با درگیری و کشته شدن چندتن از طلاب قمی همه چیز تغییر می کند. گزارش سوم فروردین سرلشکر پاکروان، رئیس ساواک، از این واقعه این است که «برحسب نقشه بعضی عناصر قم و تهران... بنا بود تظاهراتی از طرف طلاب بر علیه دولت و رأی نسانان به عمل آید و در این روز همه جا آشوب و بلوا بشود. خوشبختانه با این نقشه شیطانی، مردم موفق نبوده اند. به این جهت ناچار شده اند خود طلاب دست به عمل بزنند.» پیرو این گزارش از سوی اسدا... علم، نخست وزیر کشور، به همه استانداران دستور داده می شود که «با نهایت دقت، مراقبت نمایید کوچک ترین اثری از بروز چنین حوادثی پیدا شد، با نهایت شدت جلوگیری نمایید که نظایر آن تکرار نشود.» همین رویه دستوری مأموران و نیروهای امنیتی است که باعث می شود آن ها در شب ۲۲مهر ۱۳۴۲ به مسجدفیل مراجعه کنند تا سخنرانان مسجد را که شیخ علی فصیحی و سید عبدالکریم هاشمی نژاد هستند، دستگیر کنند؛ ازآنجاکه این ماجرا اندکی پس از وقایع ۱۵خرداد روی می دهد، موجب برانگیخته شدن دوباره احساسات مردم و خشم آن ها از عمال حکومت می شود و موجی جدید را علیه حکومت در شهر مشهد به راه می اندازد. در این گزارش، واقعه مسجید فیل را به روایت مأموران کلاتنری و گزارش های مأموران ساواک بیان خواهیم کرد؛ ازاین رو هرآنچه را که آن ها نوشته اند، بدون کم و کاست، در متن آورده ایم.

منبع گزارش ها: کتاب های «شهید حجت الاسلام سیدعبدالکریم هاشمی نژاد به روایت اسناد ساواک»، «انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، استان خراسان رضوی» و «آیت...العظمی سیدمحمدهادی میلانی به روایت اسناد ساواک (جلد اول)» از مرکز بررسی اسناد تاریخی.

بازداشت شوند

[است.] مقرر فرمایند نظریه سریعاً ابلاغ گردد.» کلمه «موافقم» که در ذیل این سند به چشم می خورد، دست خط و اظهارنظر رئیس وقت ساواک، سرلشکر پاکروان، است. این موافقت در ۲۲مهر ۱۳۴۲ طی نامه رمزی به مشهد ابلاغ می شود. درنتیجه رئیس وقت ساواک خراسان در حاشیه گزارش ۲۲مهر ۱۳۴۲ سیداحمد کشمیری از شب اول سخنرانی هاشمی نژاد در مسجد فیل، خطاب به او می نویسد: «...دستور جلب وی داده شده، اگر نتوانستند تا امشب او را دستگیر کنند و خودتان هم طبق دستور عمل کردید و نتیجه ای حاصل نشد، سر حوصله او را باید ربود که درعین حال نه بزرگ بشود و نه سروصدایجاد گردد.» تصمیم مأموران شهربانی این است که چون شیخ علی فصیحی و شهیدهاشمی نژاد هر دو غروب ۲۲ مهر در مسجد فیل به روی منبر می روند. هر دو را پس از تشکیل مجلس در همین مسجد و هنگام خروج با تعدادقلیلی پاسبان دستگیر و به شهربانی جلب کنند. آن ها فصیحی را که سخنران اول است، به همین روش

بعد از دستگیری امام خمینی^(ره) در قم به واسطه ایراد سخنان کوبنده در عصر عاشورا ی پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲، عبدالکریم هاشمی نژاد نیز به اتهام اقدام ضدامنیت داخلی مملکت دستگیر و به زندان شهربانی کل کشور منتقل می شود اما در نهایت ۲۴تیر ۱۳۴۲ با قرار التزام آزاد می شود.

بناست او در شب های ۲۰ تا ۲۳ مهر در مسجدفیل مشهد در پایین خیابان منبر برود. او شب ۱۹مهر در روضه منزل آخوان فاطمی هم حرف های تند می زند. حرف هایی که در مسجد فیل دنباله اش را می گیرد، نهایتاً بعد از دوشب سخنرانی در مسجدفیل، ساواک مشهد در ۲۱مهر ۱۳۴۲ به تهران می نویسد: «باتوجه به اینکه این سازمان حتی المقدور از توییخ بدون مورد مبلغین و معممین خودداری کرده است، این روزها ایجاب می کند که چهار نفر متعصب و تندرو (شیخ علی فصیحی، هاشمی نژاد، مصطفی غروی و سید مهدی طباطبائی) بازداشت و حراست شوند، نظر جناب آقای استاندار نیز در این مورد جلب شده

۱۹مهر ۱۳۴۲ اطلاعاتیه

از ساعت ۱۸،۳۰ روز جمعه ۱۹/۷/۴۲، محله عیدگاه، منزل آخوان فاطمی مجلس روضه خوانی در دو حیاط بزرگ که با قالی مفروش شده بود و با ایجاد سه دستگاه بلندگو صدا را تا مسافت زیاد پخش می نمود، [به] ترتیب واعظ اول آقای مدقق بود که در اطراف ظلم و ستم دستگاه حاکمه در ادوار گذشته و ساکت بودن مردم و عواقب آن اظهاراتی نمود که به طور کلی منظورش تشویق مردم در برابر دستگاه حاکمه فعلی بود که ساکت نباشند و از علما و مراجع تقلید پشتیبانی نمایند.

واعظ دوم آقای هاشمی نژاد بود که در ساعت ۱۹،۳۰ به منبر رفت. نام برده اظهار داشت در شب گذشته یک نفر روزنامه ای را به دستم داد که مقاله ای تحت عنوان روحانیت و سیاست در آن نوشته شده بود. نویسنده مقاله بعد از آنکه خود را یک نفر مسلمان معرفی نمود، نوشته است یک نفر مسلمان بایستی به همان تکالیفی که برایش معلوم شده است عمل نماید و اگر به منزل یک روحانی برویم، در آنجا فقط باید چشممان به کتب دینی و تألیفات مربوط به امور مذهب باید بخورد، نه اینکه روزنامه های سیاسی و نوشته ها و کتاب های مربوط به سیاست، بله، این نویسنده می خواهد بگوید که دین از

● فولکس واگن زهوار دررفته سرگرد هنر قاسمی صورت مجلس

ساعت ۲۲ روز ۲۲/۷/۴۲ این جانب سرگرد هنر قاسمی، رئیس کلاتنری ۳ که برابر آموزش ریاست سرکلانتری، به کمک کلاتنری ۶ رفته بودم، در موقع خروج واعظ آقای هاشمی نژاد از مسجدفیل چون وسیله نقلیه در دسترس نبود، قرار شد که با فولکس واگن این جانب، سرگرد قاسمی، نام برده به ساواک اعزام شود. به محض خروج واعظ هاشمی نژاد از مسجدفیل که به اتفاق آقای شمس آرا بود، مردم و سیل انبوه جمعیت که زیاد بود، هجوم آوردند. واعظ و آقای شمس آرا و سرباسیان یکم ارفع نیا در داخل ماشین سوار شدند. در این هنگام، جمعیت به طرف ماشین فولکس واگن هجوم آورده و با پاره آجر و سنگ به اطراف ماشین حمله ور شدند.

سرگرد قاسمی از ماشین پیاده شد که در این هنگام پاره اجری به سینه نام برده اصابت، بلافاصله داخل ماشین شده و روشن نمود و حرکت کرد و تا مقدار زیادی از راه مردم به طرف ماشین سنگ و پاره آجر پرتاب می نمودند و فحاشی و هتاک می کردند که چون شب و تاریک بود و سیل جمعیت زیاد بود، حمله کنندگان شناخته نشدند و مأمورین شروع به تیراندازی برای متفرق نمودن حمله کنندگان کردند.

جلوی کلاتنری بازدید شد. مشاهده گردید که در عقب موتور به کلی فرو رفته و کاپوت جلوی ماشین بر اثر پرتاب سنگ فرورفتگی ایجاد شده و بر چهار گلگیر فرورفتگی و خراش برداشته، به طوری که رنگ های آن بر اثر تماس با دو چرخه سوارها که اجتماع نموده اند، ریخته و همچنین در طرف راست و پهلوی اطاق سمت راست و قالیاق سمت راست فرورفتگی ایجاد شده است، به نحوی که بایستی تعمیرات کلی و صافکاری بشود.

امضا: کلاتنر ۳ سرگرد قاسمی، پاسبان شماره ۱۶۹، افسر نگهبان بخش ۳، ستوان یکم فارابی، استوار یکم حسین ظریف، سرباسیان یکم علی ارفع نیا و سرباسیان یکم تفکری.

ولی ما مردم در امور خود تلاشی نکرده ایم. اول باید تلاش و فداکاری نمود و بعد اگر موفق نشدیم، فرج بخواهیم. اگر به امید این هستیم که فساد و فجایع و ظلم و ستم هیئت حاکمه به منتهای درجه خود برسد و شما دست روی دست بگذارید تا امام زمان فرج^(ع) نماید، اشتباه است. البته ما مردم شیعه در آرزوی این هستیم که چشمان گناهکارمان به رخسار امام زمان^(ع) روشن شود، ولی شما زنده باشید، آزاد مرد باشید، در حق خود تلاش نمایید، در راه حق و حقیقت جان فشانی و فداکاری کنید؛ اگر کشته شوید، مسلماً شهید هستید. در اسلام هرکس از ناموس خود دفاع کند و کشته شود، شهید است. در این موقع که ساعت ۲۰ بود، آیت...میلانی به مجلس وارد شدند. ورود نام برده با صلوات های فراوان مردم که برای سلامتی او و آقایان خمینی^(ره) و قمی می فرستادند، روبه رو گردید. آقای هاشمی نژاد پس از آنکه چندین مرتبه برای سلامتی او دستور صلوات داد، روی کلام را به مشارالیه نمود و گفت: حضرت آیت...العظمی میلانی، مرجع عالی قدر! بیشتر مردم می گویند ما جماعت شیعه کاری از دستان ساخته نیست و به محض اینکه دو گلوله خارج شد، همه متفرق می شویم و فداکاری نمی کنیم، ولی به خدا! این طور نیست. مردم شیعه احتیاج به یک دست با قدرت دارند. همان طوری که در زیر ذره بین،

انوار متفرق آفتاب [وقتی] در یک نقطه متمرکز می شود، سوزندگی بسیار دارد. همان طوری که اگر یک دست با قدرت، اتم را از یک ذره الکترون جدا نماید، کافی است که یک مملکت یا یک شهر یک میلیون نفری را زیر و رو کند، این مردم شیعه هم احتیاج به یک دست پر قدرت، یعنی یک نفر رهبر دارند. مگر تاکنون از طرف مراجع عظام دستوری صادر شده که مردم حاضر به فداکاری، جان بازی و شهید شدن نشده باشند. شش ماه است که رهبران عالی قدر ما، مردم را به آرامش و سکوت دعوت می کنند. آقای هاشمی نژاد خطاب به آیت... میلانی گفت: مردم همه سراپا گوش به فرمان شما هستند. همین کافی است که ببینید این اجتماع عظیم و زیاد که در اینجا جمع شده اند، روزی که از تهران می آمدید، اگر این مردم اطلاع داشتند، به چشم می دیدید که چه استقبال پرشوری از شما می کردند. دستگاه از این مطلب باخبر بود و برای همین بود که حضرت آیت... را بدون اطلاع قبلی به مشهد فرستادند. مردم سؤال می کنند نتیجه هجرت حضرت آیت... به تهران چه بود؟ باید گفت نتیجه هجرت بسیار بسیار خوب بود، نتیجه هجرت ایشان برای ما پوشیده نیست. من که در آن موقع در گوشه زندان بودم، ولی خودتان ای مردم! مگر از مصاحبه مطبوعاتی نخست وزیر بعد از ۱۵ خرداد خبر ندارید؟!

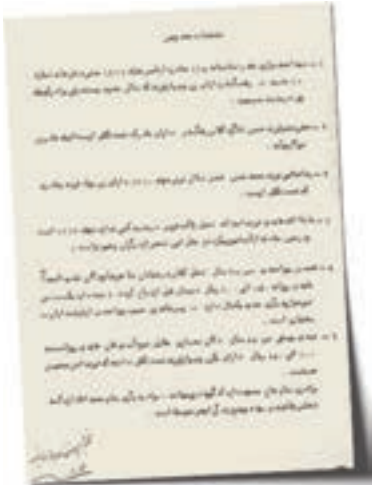
مسلمانا همه می دانید که شخص نخست وزیر گفت پانزده نفر از علما دستگیر شده اند، شاید اعدام شوند. ما هم می گویم اگر حضرت آیت...میلانی به تهران مهاجرت نکرده بودند، شاید عده ای از علما و مراجع طراز اول شیعه اعدام می شدند. اگر حضرت آیت... میلانی به تهران مهاجرت نمی کردند، شاید حالا حضرت آیت...خمینی^(ره) و حضرت آیت... قمی در میان ما نبودند. در پس پرده نقشه های بسیار شومی پی ریزی شده بود که الحمد لله همه آن ها با هجرت حضرت آیت... میلانی بی اثر شد. بله، این نتیجه مطلوب، همه از هجرت حضرت آیت...العظمی میلانی بود. خداوند همیشه ایشان را موفق و منصور بدارد. نام برده سپس اظهار داشت من یک سؤال از دستگاه دارم. ایران ۴۰ میلیون جمعیت دارد که ۱۲ میلیون حداقل زن هستند، حداقل ۵ میلیون هم بچه های نابالغ، می ماند ۳ میلیون که از این ۳ میلیون، روحانیون، بازاری ها، اصناف و دانشجویان رأی ندادند. آن وقت می گویند ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر رأی داده اند. من نمی دانم این ها از کجا آمده اند؟ جواب این سؤال را از دستگاه می خواهم.

ساعت ۲۱ به سخنان خود خاتمه داد و روی منبر اعلام نمود که از فردا شب در مسجد فیل دنباله مطلب را خواهد گرفت.

● آتش هوایی پنج تیر والتر و هفت تیر برنو گزارش ۴۲/۷/۲۲

در ساعت ۲۱،۲۱ این جانب، پاسبان شماره ۲۵۱، مأور بخش ۶، جلوی مسجدفیل مشغول انتظامات بودم. در موقع اعزام هاشمی روضه خوان توسط سرکار سرگرد قاسمی، رئیس بخش ۳ و آقای شمس آرا، رئیس اطلاعات که هاشمی را به شهربانی می برند، مردم اجتماع کرده و به ماشین سرگرد قاسمی حمله [کردند]. با سنگ و چوب به ماشین می زدند که یک آجر به صورت سرکار سرهنگ عسکری خورد، چون مردم زیاد اجتماع کرده و به مأمورین با چوب می زدند، برای متفرق کردن مردم، پنج تیر والتر هوایی آتش [کرد] و چون مردم به طرف کلاتنری از حاد نمودند، فوراً [به] کلاتنری آمده و تفنگ برنو گرفتم و جلوی کلاتنری هفت تیر برنو آتش هوایی [کردم] که مردم متفرق شوند. مراتب گزارش عرض شد.

● ۲. صفر رنجبر، فرزند حسن، شاگرد کفاش، رهگذر، دارای مادر که تحت تکفل اوست، البته مادرش نیز کار می کند.



- رضا صائبی، فرزند محمد حسن، شغل: دلال فرش، متولد ۱۳۱۰، دارای زن و یک فرزند و مادری که تحت تکفل اوست.
- ماشاء... عابدی، فرزند اسدا...، شغل ژاکت فروش*، در مشهد کسی [را] ندارد، متولد ۱۳۱۳ است و در حین حادثه، از آنجا عبور می کرده (حال این شخص از دیگران وخیم تر است).
- حسن پورا احمدی، سن: ۳۵ سال، شغل: کفاش در خیابان شاهزادگان جدید[الحادثات] [لااحداث دارد]. عابدی روزانه ۱۵۰ الی ۲۰۰ ریال، دو سال قبل ازدواج کرده، دو بچه دارد، یکی شیرخوار و دیگری حدود یک سال دارد، پسرخواه وی، حبیب پورا احمدی، از طرف داران بختباری است.
- مهدی یوسفی سن: ۵۵ سال، دکان نجاری مقابل منبع آب نوغان [دارد] عایدی روزانه، ۱۰۰ الی ۱۵۰ ریال، یک زن و چهار فرزند تحت تکفل داشته که فرزندانش صغیر هستند. برادری به نام حاج محمود دارد که گیوه دوز می باشد. برادر دیگری به نام محمداقا دارد که شغلش علاقه بندی بوده و وضع زندگی او هم متوسط است.

● مشخصات مصدومان

۱. سید احمد مزاری مقدم، شناسنامه ۱۲۵، صادره از طبس، متولد ۱۳۱۶، منشی دفترخانه شماره ۱۱ مشهد، رهگذر، دارای زن و چهار فرزند که ساکن مشهد نیستند ولی برادر کوچک وی در مشهد به سر می برد.

● مرگ مهدی یوسفی و حسین احمدپور کفاش از فرماندهی لشکر ۶ خراسان به ساواک خراسان/محرمانه/۴۲/۷/۲۳

طبق گزارش مأمورین آقای سیدعبدالکریم هاشمی نژاد، فرزند سید حسین، در چند شب اخیر (۱۹ تا ۲۲) در مجلسی که در مسجد فیل توسط عده ای از اصناف پایین خیابان تشکیل گردیده بود، شرکت مردم رابر علیه مقامات دولتی تحریک و تشویق و به جریان انتخابات شدیداً حمله می نمود. چون ایراد این گونه مطالب در وضع موجود برخلاف مصالح مملکت بود، لذا در لیله ۴۲/۷/۲۳ مأمورین شهربانی به منظور جلب نام برده به مسجد مراجعه ولی عده ای از اطرافیان مشارالیه که از جریان مطلع شده بودند، خود را برای مقابله با قوای انتظامی آماده نمود و روی این اصل به محض دستگیری نام برده، پلیس با مقاومت شدید طرف داران وی روبه رو شده که مجبور به شدت عمل گردیده و در نتیجه دو نفر به اسامی مهدی یوسفی، فرزند حسین و ماشاء... ژاکت فروش* مقتول و پنج نفر دیگر مجروح می گردند. علی هذا نام برده فوق را ضمن ۴۰ برگ اوراق بازجویی و اطلاعاتیه رسیده [به] اوسيله مأمورین لشکر و این سازمان به آن لشکر اعزام مقرر فرمایند، مشارالیه را تحت تعقیب قانونی قرار داده و از نتیجه این ساواک را مطلع سازند. از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت خراسان، سرتیپ بهرامی، گیرنده، ریاست شهربانی خراسان جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی.

* در حاشیه سند تاییی چنین دست نویس شده است:نفر دوم

ماشاء... ژاکت فروش نبود، بلکه حسین احمد پور کفاش بود که ماشاء... ژاکت فروش را تلفنا از آقای رئیس شهربانی پرسیده بودند و بعداً باتذکر جناب سرهنگ معاصی موضوع حل شد.

